

ماهیت پول و جبران کاهش ارزش آن در فقه امامیه و حقوق ایران

سیما مدنی^۱ و علی عارفی مسکونی^۲

۱ کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق گرایش حقوق خصوصی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲ استادیار دانشکده حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

چکیده

در چند دهه اخیر با تغییر شرایط اقتصادی، پول با کاهش ارزش شدید مواجه شد و بر تعهدات پولی در طول زمان تاثیر گذاشت. برای مقابله با پیامدهای نامطلوب آن، مسئله جبران کاهش ارزش پول در فقه امامیه و حقوق ایران مطرح می شود. با تغییر یافتن ماهیت پول در طول تاریخ، در مورد مثلی یا قیمی بودن آن نیز بین دانشمندان اختلاف دیدگاه ایجاد شد به طوری که گروهی پول را قیمی می دانند، نظر مشهور قائل به مثلی بودن پول از لحاظ ارزش اسمی است در مقابل فقهای معتقدند مقوم مثلیت قدرت خرید پول است. اندکی نیز پول را هم مثلی و هم قیمی می دانند، تعداد معدودی نیز معتقدند پول نه مثلی و نه قیمی است. و به تبع این اختلاف نظرها گروهی به لزوم جبران کاهش ارزش پول و گروهی به عدم جواز جبران کاهش ارزش پول نظر دادند. لیکن با بررسی آیات و قواعد فقهی پیرامون این مسئله روشن شد نه تنها جبران کاهش ارزش پول ربا نیست بلکه حق داین و وظیفه مدیون است. با تغییر دیدگاه فقها، قوانین معدودی در زمینه هایی خاص همچون مهریه به تصویب رسید اما کماکان خلاء هایی در این زمینه به چشم می خورد که با استفاده از راهکارهای حقوقی همچون تعدیل قراردادی و قضایی به منظور هماهنگ کردن قرارداد با شرایط جدید اقتصادی و برقراری مجدد موازنه، بیمه کاهش ارزش پول در جهت کاستن از خطرات تنزل ارزش پول در قراردادها و استفاده از پول الکترونیکی در راستای رسیدن به عدالت اقتصادی تا حدودی این خلاء ها قابل جبران هستند. این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی به ماهیت پول و جبران کاهش ارزش آن در فقه امامیه و حقوق ایران می پردازد

واژه های کلیدی: ماهیت پول، ارزش اسمی پول، قدرت خرید پول، جبران کاهش ارزش، ربا.

مقدمه

پول بر تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حقوقی انسانها تاثیر انکار ناپذیری دارد تا آنجا که می توان با برنامه ریزی عادلانه موجب رفاه دنیوی و سعادت اخروی انسان ها شود و یا با بی اعتنایی به نقش آن و به کارگیری سیاست ها و قوانین ناعادلانه سیه روزی و فساد را به دنبال خود بیاورد. پول نیز مانند تمام اختراعات بشری در طول تاریخ ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته و تکامل یافته تر شده است.

در واقع «انسان های اولیه قادر نبودند کلیه نیازهای خود را به تنهایی تامین نمایند، بنابراین هر فرد در تولید کالایی مهارت پیدا می کرد و آن کالا را با کیفیت بهتر و هزینه ارزانتر تولید می نمود و مازاد بر مصرف خود از آن کالا را با دیگران مبادله می کرد، و از این طریق نیازمندی های دیگر خود را تامین می کرد. به این ترتیب اولین پول کالایی به وجود آمد؛ این گونه معاملات، معاملات پایاپای مستقیم یا پایاپای خالص نامیده می شود.» (نظری، ۱۳۸۵)

با افزایش تولید کالاها و تنوع نیازهای بشری مبادله پایاپای کالاها محدودتر شد بنابراین بشر جهت تسریع در مبادله، پول کالایی را به کار برد، یعنی آن که کالایی خاص را به عنوان پول برگزید انتخاب کالای خاصی به عنوان پول به عوامل متعددی همچون فرهنگ، آداب و سنن، آب و هوا و شرایط اقلیمی بستگی داشت. به همین دلیل در جوامع مختلف و در زمانهای مختلف کالاهای متفاوتی نقش پول را ایفا نموده اند. مانند چهارپایان، غلات، تنباکو، آهن، نقره و طلا (نصیری، ۱۳۸۵).

«پول کالایی خوب چند ویژگی را داراست. از جمله این که بایستی با واحدهای استاندارد پولی قابل بیان باشد تا این که همگی آن را به عنوان یک واحد پولی بپذیرند، قابل تقسیم به واحدهای کوچک پولی باشد تا اینکه بتوان چیزهای کوچک را نیز خریداری کرده، بایستی به آسانی قابل حمل و نقل باشد تا اینکه مسافران بتوانند آن را با خود حمل کنند، باید دارای اعتباری زمانی باشد و ماندگاری لازم جهت استفاده داشته باشد.» (سرلک، ۱۳۸۱)

در این میان طلا و نقره به واسطه دارا بودن ویژگی های فیزیکی و شیمیایی توانستند نقش پول کالایی را به خوبی ایفا نمایند. به همین دلیل دولتها شروع به ضرب سکه از طلا و نقره کردند.

اما سکه های طلا و نقره نیز نتوانستند پاسخگوی نیازهای مردم باشند. از این رو پول کاغذی ایجاد شد به این صورت که «مردم به دلیل ترس از سرقت، پول فلزی خود را به افراد مورد اعتماد یا صرافان می سپردند و در برابر آن رسید دریافت می کردند و هرگاه می خواستند به نزد صرافان می رفتند و پول فلزی خود را دریافت می کردند.

پس از مدتی صرافان که پول فلزی مردم، بی کارایی نزد آنان امانت می ماند به این فکر افتادند که ما به التفاوت پول های فلزی را قرض دهند و به وام گیرندگان رسید بدهند. مردم نیز با رسیدهایی که در دستشان بود داد و ستد می کردند.

این گونه اسکناس ها را که پشتوانه طلا و نقره داشت و به آنها تبدیل می شد، پول نامیده نامیدند. پس از مدتی صرافان و بانکداران فراتر از پول های فلزی مانده در صندوقها را روانه بازار کردند. دارندگان اسکناس نیز می پنداشتند که هر گاه به بانک بروند، می توانند به جای اسکناس، طلا و نقره بگیرند، در حالی که مقدار طلا و نقره در صندوق بانکها بسیار کمتر از میزان اسکناس در نزد مردم بود. با بیشتر فرستادن اسکناس به بازار، اعتماد مردم به اسکناس زده شده و به سراغ بانکها رفتند. آن گاه چون بیشتر بانکها درخواست آنان را پاسخ نمی گفتند بحران پولی پیدا شد.

در پی بحران پولی بانکها ناگزیر، خبر از جا به جایی ناپذیری اسکناس، به طلا و نقره دادند که حادثه ای مهم در امر تجارت به شمار آمد، و دگرگونی چندانی در ماهیت اسکناس پدید آورد. رابطه میان اسکناس و طلا و نقره بریده شد و پول اعتباری، به وجود آمد.» (احمدوند، ۱۳۸۶، شماره ۳۶)

آنچه که واضح است با تغییر شکل یافتن پول در طول تاریخ ماهیت آن نیز دستخوش تغییر شد. در مورد ماهیت پول های امروزی از لحاظ مثلی و یا قیمی بودن اختلافات دیدگاه وجود دارد.

به این صورت که گروهی قائل به قیمی بودن پول هستند.

نظر مشهور بیانگر مثلی بودن آن هست اما چیزی که مورد اختلاف است منشا مثلی بودن از لحاظ ارزش اسمی است یا از نظر قدرت خرید.

عده ی کمی معتقدند پول هم مثلی و هم قیمی است.

و سرانجام اندکی پول را نه مثلی و نه قیمی می دانند.

این اختلاف دیدگاه ها در مورد ماهیت پول موجب اختلافات فاحشی در مورد جبران کاهش ارزش پول شده است. تا آنجا که گروهی آن را ربا و حرام می دانند و در مقابل عده ای معتقدند که این امر حق مسلم مدیون و وظیفه داین است. و اگر جبران نشود مدیون بری الذمه نشده است.

از طرف دیگر، از ویژگی های بارز اقتصاد کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای اسلامی همچون ایران مسئله تورم های دورقمی است که در بلند مدت باعث پایین آمدن ارزش پول و ایجاد مشکلات حقوقی و اقتصادی می شود.

برای مثال طلبکارانی که در طول سالهای متمادی نتوانسته اند طلب خود را بگیرند و یا از باب احسان در این زمینه ملاحظت بر خرج داده اند مبلغ اسمی که بعد از مدتی دریافت کرده اند با ارزش واقعی طلب تفاوت اساسی دارد.

و یا فروشنده ای که اجناس خود را به نسیه فروخته و به دلیل تورم نمی تواند همان جنس را با همان قیمت بخرد.

و یا کسانی که اموالی را به عنوان ولایت، وصایت و قیمومت در اختیار دارد وظیفه اش در قبال این پول چیست؟ آیا صرف نگه

داری از این کفایت می کند و یا باید در جهت مصلحت محجور برای جلوگیری از کاهش ارزش آن تدابیری بیاندیشد؟

با توجه به مشکلات حقوقی و اقتصادی و اجتماعی پیرامون این موضوع مسئله ای که به ذهن خطور می کند این است که ماهیت پول چیست؟

دیدگاه فقهای امامیه در مورد جبران کاهش ارزش پول چیست؟ و سرانجام حقوق ایران برای جبران کاهش ارزش پول و کاستن از این نا به سامانی چه تمهیداتی اندیشیده است؟

از این رو در این پژوهش سعی شده است ماهیت پول از لحاظ مثلی یا قیمی بودن به درستی تبیین شود.

پس از آن با استناد به روایات و قواعد فقهی همچون لاضرر، احسان، اتلاف، علی البدل ما اخذت حتی تودی و ... لزوم جبران کاهش ارزش پول در فقه امامیه ثابت گردد.

و در نهایت با بررسی کردن قوانین ایران به تمهیدات قانونی، خلاء های قانونی و راهکارهای حقوقی که در این زمینه مطرح شده است پرداخته شود. از لحاظ نظری پیرامون ماهیت ارزش پول چهار دیدگاه مطرح شده است.

۱- تعداد اندکی از فقها از جمله آیت ... معرفت معتقد به قیمی بودن پول هستند ایشان می فرمایند: «به عقیده من اساساً پول قیمی است نه مثلی زیرا آنچه در پول معتبر است ماهیت آن است. یعنی ارزش کاربردی و توان خرید آن» (تبریزی، موسوی بجنوردی، مرعشی، آصفی، معرفت ۱۳۷۵، شماره ۷)

۲- نظر مشهور پول را همچون مسکوکات طلا و نقره مثلی می دانند اما در مورد مثلی بودن نیز اختلاف نظر است عده ای همچون آیت ... طاطبایی یزدی، امام خمینی (ره)، آیت ... خوبی، آیت ... فاضل لنکرانی معتقدند پول از نظر ارزش اسمی مثلی است. این گروه اعتقاد دارند: «تغییر ارزش پول از ویژگیهای نسبی بوده و به عنوان یک مال مثلی است و ضمان آور نیست؛ زیرا ضمان، تنها متعلق به خصوصیات ذاتی مال مثلی است» (داوودی، مظری، میرجلیلی، ۱۳۹۰)

در مقابل شهید صدر، پول را از نظر قدرت خرید مثلی می دانند. ایشان می فرمایند: «پولهای کاغذی اگر چه مال مثلی می باشند، ولی مثل آن صرفاً همان ورق و قیمت ظاهری آن نمی باشد، بلکه هرآن چیزی که قیمت واقعی آن را مجسم و بیان کند، مثل پول محسوب می شود.» (صدر، ۱۳۹۹ ه.ق)

آیت ... شاهرودی نیز به این دیدگاه گرایش دارند. ایشان معتقدند: «پول اعتباری از آن جهت که به خودی خود ارزش مصرفی ندارد فقط در داد و ستد به کار می رود، ویژگی ارزش مبادله ای و توان خرید آن در نگاه عرف و عقلا همچون صفت حقیقی به شمار می آید.» (شاهرودی، ۱۳۷۴، شماره ۲)

۳- به عقیده آیت ... آصفی «پول گاهی مثلی است و از مقوله مثلیات است؛ و گاهی قیمی و از مقوله قیمیات است و هر دو معنی در مورد پول صدق می کند.» (آصفی، ۱۳۷۵)

۴- بعضی فقها همچون سید محمد حسن بجنوردی نیز دیدگاه کاملاً متفاوتی دارند و معتقدند پول نه مثلی و نه قیمی است. ایشان عقیده خود را این گونه اظهار می‌دارند: «به نظر ما پول نه مثلی و نه قیمی است هر چند مال است، زیرا ضابطه مثلی و قیمی که فقها بیان می‌نمایند مربوط به اموال و کالاهایی است که ارزش ذاتی دارند. فقهای ما کالا را به دو قسم قیمی و مثلی تقسیم نموده‌اند. اسکناسی که صرفاً مالی اعتباری است این تقسیم در او راه ندارد.» (تبریزی، موسوی بجنوردی، مرعشی، آصفی، معرفت، ۱۳۷۵، شماره ۷) البته به همه ی این دیدگاه‌ها نقدهایی وارد شده است.

این اختلاف دیدگاه‌ها باعث به وجود آمدن فتاوی متفاوتی پیرامون جبران کاهش ارزش پول در فقه شده است. برای رفع این اختلافات باید به روایات و قواعد فقهی مراجعه شود. روایات پیرامون این باب هر چند معدود هستند و متعارض به نظر می‌رسند ولی افرادی همچون آیت ... شاهرودی با نگاهی دقیق به جمع و رفع تعارض بین آنها پرداخته‌اند و از این طریق لزوم جبران کاهش ارزش پول را به اثبات رساندند.

پس از رفع اختلافات از دیدگاه فقهی قانونگذار نیز با تصویب چند ماده به لزوم جبران کاهش ارزش پول صحه گذاشت اما این قوانین هر چند گامی بزرگ به شمار می‌رفتند اما دارای نواقض قابل توجهی بودند که حقوقدانانی همچون دکتر صفایی و دکتر شهیدی به بررسی این مواد پرداختند.

از لحاظ عملی نیز در مورد ماهیت پول کتب و مقالات متعددی همچون مقاله احکام فقهی پول در مجله فقه اهل بیت و کتاب پول در اقتصاد اسلامی به قلم پرویز داوودی، حسن نظری و حسین میرجلیلی به چاپ رسیده است.

از سوی دیگر همان طور که تصریح شد گروهی قائل به این هستند که جبران کاهش ارزش پول رباست و برای نقد این نظریه باید ربا و انواع آن را شناخت. افراد بسیاری همچون شهید ثانی در کتاب الروضه البییه فی شرح اللمعه الدمشقیه، امام خمینی در کتاب البیع و شهید مطهری در کتاب مسئله ربا به ضمیمه بیمه به بحث ربای معاملی و قرضی پرداخته‌اند که هر کدام از آنها در نوع خود حائز اهمیت می‌باشد.

قانونگذار نیز در مورد جبران کاهش ارزش پول ساکت نبوده و موادی پیرامون این مسئله به تصویب رسانیده است. از جمله تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی پیرامون مهریه هر چند قبل از تصویب این قانون فقها نظرات متفاوتی ارائه دادند ولی قانونگذار با تصویب آن به این اختلاف پایان داد و حقوقدانان بزرگی همچون دکتر صفایی و دکتر امامی در کتاب مختصر حقوق خانواده به بررسی این ماده پرداختند.

از دیگر اقدامات قانونگذار در این زمینه تصویب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است. اگر چه این ماده تا تصویب فراز و نشیب‌های بسیاری طی کرد اما حقوقدانانی همچون دکتر شهیدی در کتاب آثار قراردادهای و تعهدات به این موضوع پرداختند و معتقدند که اگر چه عنوان این ماده خسارت تاخیر تادیه است ولی در واقع مدیون با دادن آن دین خود را ادا نموده و جلوه‌ای از جبران کاهش ارزش پول است. تحقیق پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی گردآوری شده است.

یافته‌ها

پول و ماهیت پول

اکنون که وسیله مبادله، ریال مکتوب روی اسکناس و ثبت شده در حساب جاری و ذخیره شده در بیت‌های دیجیتالی است و سایر سکه‌های طلا و یا خزانه پر از طلا و جواهرات و ارزهای خارجی و سایر دارایی‌ها به عنوان پشتوانه درکار نیست، هیچ تفاوتی به حال مردم نکرده است. مردم با این ریال‌های مکتوب و دیجیتالی، همان کاری را انجام می‌دهند که با سکه‌های مضروب طلا و نقره انجام می‌دادند.

از دیدگاه اقتصادی «به رغم اینکه اهمیت پول بر اقتصاددانان مشخص بوده است، ولی تا کنون از لحاظ تئوریک، تعریف روشن و قابل قبولی برای آن ارائه نداده‌اند. البته در برخی از متون اقتصادی برای تعریف پول، از تعریف حقوقی و قانونی آن استفاده شده، و پول چیزی شمرده شده است که قانون آن را به عنوان پول معرفی کرده باشد؛ ولی بنا به اهمیتی که مقبولیت عملی یک چیز در جامعه، برای ایفای نقش موثر پول -در مقایسه با جنبه حقوقی و قانونی آن- در اقتصاد دارد، تعریف فوق‌چندان

مور استقبال قرار نگرفته است. به همین دلیل، به اعتقاد برخی از اقتصاددانان، رسیدن به تعریف مناسب پول تنها از طریق شناخت وظایف آن میسر است.» (داوودی، نظری، میرجلیلی، ۱۳۹۰)

پول به عنوان یکی از اختراعات بشری دچار تغییرات گسترده ای در طول تاریخ شده است. از لحاظ تئوری نیز تعریف جامعی از پول ارائه نشده است. به طوری که اقتصاد دانان پول را از لحاظ کارکردش تعریف می کنند اما فقها و حقوقدانان از لحاظ ماهیت و چیستی آن به پول توجه دارند. امروزه فقهای ما در مورد ماهیت پول اعتباری چهار نظر متفاوت دارند. عده کمی معتقدند پول قیمی است.

نظر مشهور اعتقاد به مثلی بودن پول از لحاظ ارزش اسمی دارند. شهید صدر و پیروانشان پول را مثلی از لحاظ قدرت خرید می دانند. گروهی پول را هم مثلی و هم قیمی می شمارند. و در نهایت برخی معتقدند پول نه مثلی و نه قیمی است. این تفاوت دیدگاه ها سبب اختلاف نظر در مورد جبران کاهش ارزش پول شده است در فصل بعد به جبران کاهش ارزش پول در فقه امامیه و رابطه ی آن بار با پرداخت می شود.

جبران کاهش ارزش پول در فقه امامیه

بررسی جبران کاهش ارزش پول در فقه امامیه با مراجعه به روایات و قواعد فقهی امکان پذیر است. روایات پیرامون جبران کاهش ارزش پول معدود و به ظاهر متعارض به نظر می رسند. از این رو موجب اختلاف نظر فقها در مورد لزوم و یا عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول شده است.

اما باید توجه داشت که این تعارض از آنجا نشات می گیرد که در زمان تشریح درهم و دینار از جنس طلا و نقره بوده و غالباً به صورت وزنی معامله می شوند از این رو در بعضی از این روایات به این ویژگی توجه شده و در روایات دیگر ویژگی پول بودن و در گردش بودن مورد گردش قرار گرفته است. فی الواقع روایات نه تنها هیچ گونه تعارضی ندارند بلکه همه آنها گویای لزوم جبران کاهش ارزش پول هستند.

علاوه بر روایات قواعد فقهی بسیاری همچون قاعده لاضرر، اتلاف، علی الید، سلطنت، جلب المصالح و درالمفاسد، احسان، عدالت و دارا شدن غیر عادلانه نیز به ضرورت جبران کاهش ارزش پول دلالت دارند.

با همه ی این تفاسیر گروهی قائل به ربا بودن جبران کاهش ارزش پول هستند همان طور که گفته شد ربا به دو نوع ربای قرضی و معاملی تقسیمی می شود.

با بررسی شرایط ربای قرضی از جمله قرض همراه با شرط اضافه، تعلق سود به زمان و تضمینی بودن سود موضوع ربای قرضی بودن جبران کاهش ارزش پول رد می شود.

ربای معاملی نیز در دادو ستد دو جنس مکیل و موزون اتفاق می افتد که از مبحث جبران کاهش ارزش پول خارج است. از آنجایی که نقطه نظرات فقهی تاثیر بسزایی بر روی حقوق ایران دارد در فصل بعد به بررسی چگونگی کاهش ارزش پول در حقوق ایران و خلاء ها و راهکارهای حقوقی در این زمینه سخن به میان آورده می شود.

جبران کاهش ارزش پول در حقوق ایران

از آنجا که جامعه ایران در چند دهه اخیر با کاهش ارزش پول مواجه شده باید دید که حقوق ایران با این مسئله چگونه برخورد کرده است.

تغییر ارزش کاهش پول تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حقوقی مردم را تحت تاثیر قرار داد از این رو نیاز به تدوین قوانینی در این زمینه بود.

قانونگذار ما نیز با تصویب چند ماده معدود از جمله تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی پیرامون مهریه، ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی پیرامون خسارت تاخیر تادیه و قوانینی در مورد حقوق کارمندان و کارگران به این موضوع پرداخت.

اگر چه هنوز خلاء های قانونی زیادی در این راه وجود دارد لیکن می توان با استفاده از راه کارهای حقوقی همچون تعدیل قراردادی و قضایی، بیمه کاهش ارزش پول و استفاده از پول الکترونیکی تا حدودی در جهت رفع مشکلات قدم برداشت. یکی دیگر از راهکارهای حقوقی در زمینه جبران کاهش ارزش پول، استفاده از پول الکترونیکی است. در این روش پول ارزشش با قدرت خرید روز یعنی تورم تنظیم می شود لذا به صورت کارت و بانک الکترونیکی می تواند ارائه شود. امروزه این عمل در مورد ارزش طلا استفاده می شود چنان که طلا فروشان با استفاده از سامانه های رایانه ای به طور دقیقه به دقیقه از ارزش طلا خبردار می شوند و خرید و فروش خود را بر مبنای ارزش همان لحظه طلا انجام می دهند.

نتیجه گیری

به دنبال تغییر شکل یافتن پول در طول تاریخ ماهیت آن نیز دستخوش تغییرات شد. این تغییر ماهیت و نبودن تعریف واحدی از پول باعث اختلاف نظر فقهای اسلامی در مورد ماهیت پول های اعتباری شد. به طوری که گروهی پول را قیمی می دانستند. نظر مشهور قائل به مثلی بودن پول بر اساس ارزش اسمی بود. در مقابل شهید صدر معتقد به مثلی بودن پول از لحاظ قدرت خرید بودند. تعداد کمی از فقها نیز پول را هم مثلی و هم قیمی می دانستند و عده ای معتقد بودند پول نه مثلی و نه قیمی است.

این تفاوت دیدگاه ها سبب اختلاف نظر فاحش فقها پیرامون لزوم جبران کاهش ارزش پول شد تا آنجا که گروهی آن را به اعتبار ارزشی اسمی مثلی می دانستند قائل به ربا بودن جبران کاهش ارزش پول بودند و در مقابل طرفداران نظریه قیمی و یا مثلی به اعتبار قدرت خرید، جبران کاهش ارزش پول را وظیفه مدیون و حق داین می دانستند.

بررسی جبران کاهش ارزش پول در فقه امامیه نیز مستلزم رجوع به روایات و قواعد فقهی است. روایاتی که در این باب آمده است معدود و به ظاهر متناقض هستند و این امر به اختلاف نظر فقها دامن زده است اما با نگاهی دقیق تر مشخص می شود تعارض ظاهری این روایات ناشی از ماهیت پول های زمان صدر اسلام بوده است همان طور که بیان شد پول های صدر اسلام درهم و دینار و از جنس طلا و نقره بودند و غالباً به صورت وزنی مورد معامله قرار می گرفتند. از این رو در بعضی از این روایات به این ویژگی توجه شده و در روایات دیگر به صفت پول بودن و در گردش بودن پول توجه شده است. در نتیجه این روایات نه تنها با هم تعارضی ندارند بلکه همگی آنها بیانگر لزوم جبران کاهش ارزش پول هستند. از سوی دیگر بررسی قواعد فقهی همچون قواعد لاضرر، اتلاف، علی البید، سلطنت، جلب المصالح در المفساد، احسان، عدالت و دارا شدن غیر عادلانه ما را نیز به همین نتیجه می رساند.

اما در این میان هستند گروهی که معتقد به عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول و ربا بودن آن باشند از این رو بررسی شرایط ربای قرضی و ربای معاملی ما را به این مهم می رساند که جبران کاهش ارزش پول با شرایط هیچ یک از آنها همخوانی ندارد. با همه ی این تفاسیر، تنها پاسخ گویی به این سوالات از نقطه نظر فقهی برطرف کننده نیازهای جامعه نیست و می بایست به صورت قوانین لازم الاجرا درآیند.

از این رو قانونگذار نیز پس از فراز و نشیب های فراوان و جلب نظر موافق شورای نگهبان موفق به تصویب قوانینی معدود از جمله تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی پیرامون مهریه، ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در مورد خسارت تاخیر تادیه، ماده ۹۰ قانون امور حسبی درباره وظایف قیم و مواردی در مورد حقوق کارمندان و کارگران شد.

اگر چه قانونگذار با تصویب این قوانین گامی بزرگ برداشت اما همان طور که مشخص است این قوانین در زمینه هایی خاص همچون مهریه، قیمت، حقوق کارمندان و کارگان و گاهاً دارای ایراداتی به تصویب رسیده اند. مثلاً ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی اگر چه عنوان خسارت تاخیر تادیه دارد، اما در واقع جبران کاهش ارزش پول با شرایط محدودی از جمله مطالبه داین، امتناع مدیون و تمکن مدیون است.

برای رفع این مشکل و کاستن از خلاء های قانونی موجود در این زمینه میتوان از راهکارهای حقوقی همچون تعدیل قراردادی و قضایی در شرایط دشوار اقتصادی، تاسیس نهاد بیمه کاهش ارزش پول برای اطمینان سرمایه داران و استفاده از پول الکترونیکی برای رسیدن هر چه بیشتر به عدالت اقتصادی بهره جست.

منابع

- احمدوند، معروف علی، مروری بر ماهیت شناسی پول و دیدگاه فقیهان، مجله فقه، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۳۶.
۲. ایزدی فر، علی اکبر؛ ابهری، حمید؛ بهرامی، حسین، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، مجله فقه و اصول، بهار ۱۳۹۱، شماره ۲۷.
۳. بصیری، مهدی، کاهش ارزش پول و راه های جبران آن، مجله گفتمان حقوقی، ۱۳۸۵، شماره ۱۱ و ۱۰.
- داوودی، پرویز؛ نظری، حسن، میرجلیلی؛ حسین، پول در اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰.
- تیریزی، ابوطالب؛ موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ مرعشی، سیدمحمدحسین؛ آصفی، محمد مهدی؛ معرفت، محمدهادی؛ احکام فقهی پول، مجله فقه اهل بیت، پاییز ۱۳۷۵، شماره ۷.
- سرلک، احمد، پول، ارز، انتشارات نور علم، همدان، ۱۳۸۱.
- نظری، محسن، اقتصاد کلان، انتشارات نگاه دانش، تهران، ۱۳۸۵.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، احکام فقهی کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت، ۱۳۷۴، شماره ۲.